

قهرمانی برای پرسپولیس بدل به عادت شده. آنها این فصل به سیاق سه فصل پیشین جام قهرمانی را در آغوش گرفتند؛ جامی که زودتر از فصول پیشین و البته مقتدرانه تر از همیشه به دست آمد. جام برای سرخ‌ها بدل به یک موتیف شده که از فصلی به فصل دیگر تکرار می‌شود اما در تکرار جام‌ها چند عامل اصلی و کلیدی نهفته شده که رمز موفقیت تکراری سرخ‌ها محسوب می‌شود. عواملی که سایر رقبا و تیم‌ها از آن بی‌بهره‌اند و سرخ‌ها به رغم همه مشکلات ساختاری و البته مدیریتی از آن بهره می‌برند. روایت قهرمانی این فصل پرماجرا در ۶ پرده تصویر کامل‌تری از قهرمانی چهارم پرسپولیس را ارائه می‌دهد.

## قهرمانی پرسپولیس در چند پرده

# شش برای چهار!



سعید آقاایی

Saeed Aghaee

### نقل و انتقالات موفق

تئوری مهمی در فوتبال وجود دارد که می‌گوید: «موفقیت در فصل نقل و انتقالات هر تیمی را در ابتدای فصل چند امتیاز از رقبای جلو می‌اندازد» این تئوری اشاره به یک حقیقت کلیدی در متن فوتبال دارد. آنجا که رفتن به بازار و خرید برای ترمیم نقاط ضعف و تقویت کلونی تیمی بدیهی‌ترین و اصلی‌ترین هدف به شمار می‌رود اما بسیاری از تیم‌ها این هدف را فراموش می‌کنند و در بازار اهداف دیگری را جست‌وجو می‌کنند؛ از ترکاندن بمب و غوغا سالاری گرفته تا چشم و همچشمی و حتی کرای با رقبای و کور کردن چشم بازار! پرسپولیس اما در تابستان پرفرانته ۹۸ درست بر همان مداری جلو رفت که در چند فصل اخیر در این تیم بدل به یک اصل شده؛ یعنی خرید برای ترمیم نقاط ضعف و تقویت مجموعه تیمی. آنها همانند روال چند فصل اخیر بدون سر و صدا و هیاهو به بازار رفتند و تنها ۳ خرید دانه درشت و اصلی داشتند؛ خریدهایی بر پایه نیاز تیم. در حقیقت پرسپولیس می‌دانست چه می‌خواهد و چه باید بکرد و حتی جدایی ناگهانی برانکو ایوانکوویچ و بلبشوی مدیریتی آنها را آشفته نکرد و از برنامه قبلی منحرف نساخت. محمدحسین کنعانی زادگان و وحید امیری تنها خریدهای تابستان بودند. اولی مدافع ملی‌پوشی که یک فصل خوب را در ماشین‌سازی گذرانده بود و پس از مصدومیت‌های طولانی مدت و بالا رفتن سن کاپیتان سیدجلال حضورش ضروری به نظر می‌رسید تا قلب دفاع سرخ‌ها متزلزل نشود و دیگری وحید امیری ستاره سابق که بعد از دو فصل نومیدکننده در ترکیه بازگشته بود تا ضمن احیای خود، آتش توپخانه پرسپولیس را تندتر کند. خرید آخر اما چند هفته بعد از آغاز لیگ و در روزهای پراالتهاب ابتدای فصل و برای پر کردن خلأ بزرگ پرسپولیس در خط حمله با سرعت و بدون برنامه و بررسی و مطالعه صورت گرفت؛ جونیور براندائو برزیلی که با توجه به مسیر حضورش در پرسپولیس مشخص بود خرید خوبی نخواهد بود. مهاجمی که به گفته کالدرون گزینه نهم خط حمله پرسپولیس به شمار می‌رفت و در محاصره دلانان به پرسپولیس قالب شد و البته بعد از چند هفته رفت. در نهایت دو ورودی پرسپولیس در تابستان همان‌هایی بودند که در فصل جاری در ترکیب اصلی تیم جای گرفتند، عصای دست تیم شدند و از ارکان کلیدی موفقیت لقب گرفتند.

### گابریل کالدرون

پرسپولیس در تابستان پرماجرای ۹۸ بعد از ۴ فصل برانکو ایوانکوویچ را ناگهان از دست داد تا یک بحران بزرگ و غیرقابل پیش‌بینی را تجربه کند. بحرانی که می‌توانست شالوده تیم موفق را به شکل ناگهانی زیر و رو کند تا پرسپولیس با این سونامی ناگهانی از هم بپاشد اما یک اتفاق و یک انتخاب اتفاقی کلونی سرخ‌ها را نجات داد. جست‌وجوی مدیران پرسپولیس آنها را به یک نام جذاب و هیجان‌انگیز رساند: گابریل کالدرون. یک مربی کهنه کار با سابقه‌ای طولانی و رزومه‌ای قابل اعتنا که سال‌های مدیریتی را در آسیا و خاورمیانه مربیگری کرده بود و با اتمسفر فوتبال آسیا و منطقه‌اش آشنایی کامل داشت. مردی که قهرمانی‌های گاه و بیگاهش و تجربه والایش ثابت می‌کرد در میان گزینه‌های موجود بهترین انتخاب بوده که البته نه به واسطه تیزبینی مدیران وقت سرخ‌ها، بلکه تنها به دلیل شرایط بهتر و تخفیف بالاتر انتخاب شد اما این خوش‌شانسی سرخ‌ها بود که کالدرون به پرسپولیس آمد و با آن فلسفه فوتبالی متفاوت و جذابش، روحیه مثبت و برنده و البته شخصیت متفاوت و کاریزماتیک از پرسپولیس یک تیم متفاوت ساخت که توانست مسیر موفقیت را ادامه دهد. مربی آرژانتینی در فاصله چند هفته مانده به آغاز رقابت‌ها پرسپولیس را تحویل گرفت و با یک تیم بسته شده و در یک اتمسفر غریبه، لیگ نوزدهم را آغاز کرد. مردی که آشکارا زیر سایه سنگین برانکو قرار داشت و به طور مداوم با سرمربی کروات مقایسه می‌شد. او تحت تأثیر این جو سنگین نه در میان رسانه‌های پایگاهی داشت و نه سکوها او را دوست داشتند اما تیم کالدرون آرام آغاز کرد، ذره ذره قوام گرفت، تاتی تاتی کرد و ناگهان دودین را از نیمه راه استارت زد تا به سرعت برق و باد همه رقبا را جا بگذارد. کالدرون در پرسپولیس موفقیتی بی‌نظیر را رقم زد. بهترین آمار در نیم فصل آن هم در یک لیگ غریبه و با یک تیم جدید که البته هیچ نقشی در بسن آن نداشت، بیشترین تعداد برد، برد در دربی و بیشترین امتیاز در نیم فصل که حتی رکوردهای برانکو را شکست و در نهایت قهرمانی در نیم فصل از کالدرون چهره یک مربی فوق‌العاده و موفق ساخت. مربی آرژانتینی به موازات همین درخشش، با مدیریت باشگاه به چالش و اصطکاک خورد و هر چه جلوتر می‌رفت، شکاف او با مدیریت عمیق‌تر شد تا جایی که سرانجام در نیم فصل و پس از پایان هفته شانزدهم برخلاف میل باطنی‌اش، ناچار شد پرسپولیس را رها کند و برود.

### بردهای اقتصادی

پرسپولیس را باید سلطان اقتصاد فوتبال ایران دانست! تیمی که درون مستطیل سبز به برد خو گرفته و رویین‌تن شده و برای رسیدن به برد همیشه به حداقل‌ها اکتفا می‌کند. پرسپولیس برای برد هیچ گاه خود را به آب و آتش نمی‌زند، از بازی ریسکی و انتحاری بیزار است و همیشه آسان‌ترین مسیر را انتخاب می‌کند. آنها با اتکا به مجموعه باثبات و همگن خود مطمئن‌ترین راه بردن را پیشه می‌کنند. تیمی که در خط حمله با ستاره‌های پرشمار و باکیفیت خود همیشه راهی به دروازه حریفان پیدا می‌کند و در دفاعی به اندازه‌ای رسوخ‌ناپذیر و آهنین است که می‌تواند قفس توری خود را از گزند رقبای دور نگاه دارد. نتیجه این تفکر، بردهای حداقلی سرخ‌هاست. آنها بیشتر از انگشتان دو دست در فصل جاری برد یک – صفر به دست آورده‌اند که نتیجه همین تفکر است. تیمی که تنها یک گل را برای برنده شدن کافی می‌داند و به اندازه‌ای مطمئن است که می‌تواند از اندوخته حداقلی خود محافظت کند و سه امتیاز را به جیب بزند. این بدعتی بود که برانکو در پرسپولیس بنا نهاد، کالدرون ادامه داد و یحیی نیز علیرغم سرپرشوری که دارد، به آن اقتدا کرده. تعداد بردهای با اختلاف بیشتر از یک گل در پرسپولیس این فصل به تعداد انگشتان یک دست هم نمی‌رسد اما آنها با همین بردهای حداقلی لیگ را تسخیر کرده‌اند و جام‌ها را یکی پس از دیگری درو می‌کنند. یک فرمول اقتصادی موفق.